

مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران

علی افراسیابی* - ابوالفتح خالقی**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۸)

چکیده

در مدیریت دانش پیشگیری از جرم، منابع علمی و گزارش پروژه‌های اجرایی پیشگیری وضعی از جرم گردآوری، سازمان‌دهی و تسهیم می‌شوند. سؤالی که مطرح می‌شود اینکه به چه دلایلی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران ضروری است و این دانش در ساختار پلیس ایران چگونه مدیریت می‌شود؟

پلیس ایران سازمان دولتی، سلسله مراتبی و متمرکز است. در این قبیل ساختارها، ارتباطات شبکه‌ای و افقی محدود بوده و ابتکار عمل در انجام وظایف سازمانی، جای خود را به اقدامات روتین می‌دهد. کارکنان پلیس، در صورت فقدان مکانیسم‌های مدیریت دانش، تمایلی به تبادل تجارب دانشی ندارند. الزامات مبتنی برافزایش بهره‌وری نیز دلیل دیگری است که لزوم مدیریت دانش در سازمان پلیس ایران را دوچندان می‌کند. به‌منظور مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم ابتدا باید، اقدامات پلیس در راستای برقراری نظم در قالب یک فرایند مشخص که در این تحقیق معرفی شده، اجرا شود. در گام بعد، یگان‌های اجرایی پلیس گزارش فرایندهای اجرایی موفق را به مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا ارسال می‌کنند تا پس از ارزیابی در آن مرکز و احراز صلاحیت‌ها، در شبکه مدیریت دانش نمایه شوند. گردآوری و نمایش مطالعات پیشگیری از جرم توسط مرکز مطالعات از یک طرف و گزارش پروژه‌های موفق پیشگیری از جرم توسط رده‌های اجرایی از طرف دیگر، چرخه مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم را ایجاد می‌کند که با تداوم چرخه‌ها، دانش پیشگیری در سازمان پلیس جریان می‌یابد.

واژگان کلیدی: مدیریت دانش، پیشگیری وضعی، تسهیم دانش.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول).
ali.afraziabiazer@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم.

مقدمه

استفاده از راهبردهای مدیریت در راستای پیشگیری از جرم محدود به سازمان‌دهی و هدایت منابع فیزیکی و انسانی نیست. بلکه علاوه بر نیازسنجی، سازمان‌دهی، نظارت و هدایت منابع انسانی و فیزیکی، می‌توان دانش بالقوه موجود در سازمان را مدیریت کرد. در سازمان پلیس ایران، مثل هر سازمان دیگری، ابزارهایی برای نیل به اهداف پیش‌بینی شده است. تجهیزات، خودروها و منابع انسانی، از جمله ابزارهایی است که مدیران پلیس می‌توانند با سازمان‌دهی و هدایت درست آن‌ها، بیشترین میزان بهره‌وری را حاصل کنند. در رویکرد سنتی، نگاه مدیران صرفاً محدود به همین بُعد از منابع سازمانی بود. ولی در عصر حاضر تلاش برای استفاده از حداقل منابع به منظور حصول بیشترین منافع، موجب شده تئوریسین‌ها بُعد جدیدی از مدیریت تحت عنوان مدیریت دانش را به مدیران معرفی کنند.

در مدیریت دانش، تلاش می‌شود دانش موردنیاز سازمان برای پیشبرد اهداف سازمانی گردآوری و بین اجزای سازمان تسهیم و سازمان‌دهی شود. از این طریق، از سویی دانش موردنیاز اجزای سازمان در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد تا بتوانند با استفاده از این دانش میزان بهره‌وری خود را افزایش دهند؛ از سوی دیگر، دانش بالقوه موجود در اجزای مختلف سازمان که به صورت سرگردان و بلااستفاده باقی مانده، مدیریت می‌شود و در چرخه بهره‌وری قرار می‌گیرد. مطالعه پیشینه تحقیق حکایت از آن دارد که در زمینه مدیریت دانش کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است.^۱ در خصوص مدیریت دانش پلیس نیز منابع متعددی وجود دارد که در تحقیق حاضر از آن‌ها استفاده شده است.^۲ ولی جای تحقیق در زمینه ضرورت و چگونگی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران خالی است. از آنجا که پیشگیری وضعی از جرم موضوعی تخصصی بوده و به علم و دانش تجربی نیاز دارد، مدیریت دانش در این حوزه از گذر تسهیم تجارب موفق می‌تواند در کاهش نرخ جرم مؤثر باشد و اثربخشی اقدامات پیشگیرانه را ارتقا بخشد. از همین رو به نظر می‌رسد تحقیق در این زمینه می‌تواند مفید باشد. با این وصف، در مبحث اول ضرورت مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم و در مبحث دوم

۱. برای نمونه می‌توان به کتاب راهنمای گام‌به‌گام کسب دانش در عمل تألیف میلتون (۱۳۹۱)، ترجمه احمدوند و جاپلیان اشاره کرد.

۲. برای نمونه می‌توان به مقاله استفاده از دانش پلیسی جهت شناسایی مناطق جرم‌خیز و جلوگیری از وقوع جرم، تألیف بهادری‌ها ۱۳۹۱: ۲۶۹ و نیز مقاله نقش مدیریت دانش در پیشگیری از جرم، تألیف احمدی و الوند ۱۳۹۱: ۴۲۱، اشاره کرد.

چگونگی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران مطالعه می‌شود.

مبحث اول: ضرورت مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران

ممکن است این سوال در ذهن مخاطب ایجاد شود که چرا عنوان این مقاله «مدیریت پیشگیری وضعی از جرم» است و «مدیریت پیشگیری از جرم» مدنظر نیست. در پاسخ بیان می‌شود که پیشگیری از جرم عنوانی کلی است و سه نوع پیشگیری را شامل می‌شود و هریک از این انواع تفاوت‌های زیادی از منظر اهداف و ابزارهای اجرایی دارند. به نظر می‌رسد مدیریت دانش در هر یک از این انواع پیشگیری الزامات خاصی دارند و از این‌رو در این تحقیق صرفاً به مدیریت پیشگیری وضعی از جرم پرداخته شده است. ضرورت مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران مبتنی بر دلایلی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱- دلایل ساختاری مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران

پلیس ایران به صورت متمرکز قالب‌بندی شده است. ساختارهای متمرکز و سلسله مراتبی حائز ویژگی‌هایی است که به آن‌ها اشاره می‌شود. نخست اینکه در ساختارهای سلسله مراتبی سیاست‌گذاری از مرکز انجام می‌شود و اجرای آن‌ها بر عهده واحدهای اجرایی محلی است. این امر موجب می‌شود مجریان سیاست‌های از پیش تعیین شده، تمایل جدی به اجرای آن‌ها نداشته باشند؛ چراکه انسان تمایل به انجام تصمیماتی دارد که در ایجاد آن سهم است (اسکات ۲۰۰۶: ۱۶-۱۸).

دومین ویژگی ساختارهای متمرکز ناظر به این مطلب است که ارتباطات سازمانی در ساختارهای سلسله مراتبی محدود است و در اغلب موارد، در قالب ارتباطات عمودی شکل می‌گیرد (اسلامی و همکاران ۱۳۹۱: ۲۱۸). این امر موجب می‌شود که کارکنان نتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و تجاربشان را تسهیم کنند. ایجاد سازوکارهای شبکه‌ای، ارتباطات افقی را تقویت می‌کند و ایجاد این شبکه‌های ارتباطی موجب می‌شود که اجزای سازمان در موضع برابر نسبت به هم با آزادی عمل بیشتری در مقایسه با ارتباطات سلسله مراتبی عمودی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و تجاربشان را به اشتراک بگذارند. همچنین برقراری ارتباط در ساختارهای سلسله مراتبی قیدوبندهای خاصی دارد که تمایل اعضای سازمان به مشارکت فعال در این ارتباطات را تعدیل می‌کند. شاید به این دلیل که سلسله مراتب بالاتر تمایلی به این

ندارند که رده‌های پائین دستی و اجرایی نقشی فراتر از یک مجری را ایفا کنند. ولی در شبکه‌های ارتباطی افقی این محدودیت‌ها وجود ندارد و رده‌های اجرایی در یک سطح قرار دارند. وقتی رده‌های اجرایی سازمان در قالب شبکه‌های ارتباطی افقی مشاهده کنند که دیدگاه‌ها و ابتکار عمل‌های آن‌ها در سایر واحدها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد یا دیدگاه‌های سازنده سایر اجزای سازمان برای آن‌ها نیز می‌تواند مفید باشد، با اقبال بیشتری به نقش‌دهی و نقش‌پذیری در این شبکه‌های ارتباطی متمایل می‌شوند.

سومین دلیل ضرورت مدیریت دانش در پلیس ایران، به ارتباط رویه‌های پیشگیری با دولت مربوط می‌شود. در سازمان‌های دولتی ذهنیت نوآور وجود ندارد (کشاورز ۱۳۹۰: ۸). سازمان‌های دولتی به اقدامات روتین و روزمره تمایل دارند و میل به نوآوری در اجرای وظایف سازمانی محدود است. تحقیقات نشان می‌دهد «سازمان پلیس به شدت در برابر تغییر مقاومت می‌کند و کارکنان پلیس در اجرای برنامه‌های نو با مشکل مواجه می‌شوند» (اسپارو، مور و گُندی ۱۹۹۰: ۲۲). همان‌گونه که کلینگ و مور بیان داشته‌اند، «در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نیروهای پلیس فکر می‌کردند آن‌ها بدو ضابط نظام عدالت جنایی‌اند که با جرم مقابله می‌کنند» (۱۹۸۸: ۴). این طرز تفکر، متناسب با پیشگام بودن پلیس کشورهای مختلف در مطالعات جرم‌شناسی متفاوت است و امکان دارد در برخی از پلیس‌ها در زمان حاضر نیز حاکمیت داشته باشد. چنین بینشی که پلیس صرفاً ضابط قضایی است، نیروهای پلیس را از هرگونه تلاش در راستای نوآوری در حل مسائل مجرمانه و پیشگیری از جرم باز می‌دارد و آن‌ها را به سوی پاسخ‌های واکنشی یکدست به جرم سوق می‌دهد؛ پاسخ‌هایی که عموماً دولتی‌اند و جنبه واکنشی دارند. از این رو، در صورتی که رویه‌های پیشگیری از جرم در قالب‌بندی سازمان‌های دولتی قرار گیرد، نوآوری و ابتکار عمل در حل مسائل مجرمانه و بی‌نظمی جای خود را به پاسخ‌های یکدست و سنتی می‌دهد.

ویژگی چهارم ساختارهای متمرکز که ضرورت مدیریت دانش را دوچندان می‌کند، به انعطاف‌پذیری اندک این ساختارها در قبال تحولات اجتماعی و شیوه‌های بزهکاری مربوط می‌شود. «نرخ فزاینده جرم و بی‌نظمی در جوامع کنونی، ظهور جلوه‌های جدید بزهکاری، ابتکار شیوه‌های نو در ارتکاب جرم و نارضایتی عمومی فزاینده متعاقب آن، سازمان پلیس را بر آن می‌دارد کارکرد و نوآوری شیوه‌های برقراری نظم را بهبود بخشد و فرصت‌های لازم برای

ایجاد این نوآوری‌ها را فراهم کند» (براگا و ویسبورد ۲۰۰۷: ۲). در طول سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در آمریکا ۸ شیوه جدید برقراری نظم در پاسخ به نرخ‌های فزاینده جرم ارائه و اجرا شد.^۱ پاسخ مطلوب به جرم و بی‌نظمی به انعطاف‌پذیری ساختار پاسخ‌گر وابسته است. اگر جرم به‌عنوان پدیده‌ای فرض شود که دارای دو کُشگر است، ملاحظه می‌شود که در یک‌طرف این پدیده بزهکارانی قرار دارند که در ارتکاب جرم اسیر قیدوبندهای ارتباطی نیستند و با آزادی عمل بیشتری می‌توانند از شبکه‌های ارتباطی برای کسب دانش پیشگیری از جرم استفاده کرده و از خلأهای موجود در راستای ارتکاب جرم بهره ببرند. در طرف دیگر، پلیس و عدالت جنایی وجود دارد که اگر نتواند خود را با تحولات اجتماعی سازگار کرده و متناسب با شگردهای متحول بزهکاران رفتار کند، در مقابل آن‌ها شکست را متحمل می‌شود. مدیریت دانش، ابزار مناسبی برای افزایش ارتباطات شبکه‌ای و انعطاف‌پذیری ساختارهای سازمانی است. چراکه این نوع مدیریت، ارتباطات افقی و شبکه‌ای ساختار را افزایش می‌دهد و از این‌گذر به افزایش انعطاف سازمان می‌انجامد.

۲- دلایل روان‌شناختی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران

دلیل دیگری که بر ضرورت مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران تأکید می‌کند این است که مطالعات انجام‌شده بیان می‌کند بدون سازمان‌دهی و مدیریت دانش کارکنان، تسهیم دانش و تجارب سازمانی آن‌ها با مشکلات جدی مواجه است. تحقیقات نشان می‌دهد از هر ده نفر یک نفر به‌صورت داوطلبانه؛ دو نفر در صورت درخواست از آن‌ها و شش نفر در صورت درخواست از آن‌ها و وجود منافع مادی یا معنوی، به تسهیم دانش تمایل دارد؛ یک نفر باقی‌مانده نیز تحت هیچ شرایطی تمایلی به تسهیم دانش ندارد (کشاورز ۱۳۹۰: ۱۰). از همین رو به‌منظور گردآوری تجارب و دانش کارکنان و تسهیم دانش گردآوری‌شده، مدیریت دانش می‌تواند مفید باشد؛ چراکه از طرفی تابع قیدوبندهای مذکور نیست و از طرف دیگر، ویژگی مشاهده‌پذیر بودن نقش اعضای شبکه‌های دانشی موجب می‌شود اعضا به فعالیت بیشتر در شبکه‌ها ترغیب شوند و دانش خود را برای سایر همکاران عرضه کنند. در واقع ایجاد

۱. این هشت شیوه عبارت‌اند از برقراری نظم جامعه محلی، برقراری نظم مکان‌های جرم‌خیز، برقراری نظم به روش پنجره‌های شکسته، برقراری نظم به روش مسئله محور، برقراری نظم به روش نظارت ثالث، برقراری نظم به روش گمپستانت، برقراری نظم دلیل محور و برقراری نظم به روش کشیدن اهرم‌ها (براگا و ویسبورد ۲۰۰۷: ۲).

شبکه‌های دانشی باعث می‌شود اعضای سازمان در عرضه محصولات دانشی با یکدیگر رقابت کنند و عرضه محصولات جدید و روش‌های کم‌هزینه از سوی اعضای سازمان به شبکه‌های دانشی، به یکی از فرهنگ‌های سازمانی مبدل می‌شود.

۳- دلایل اقتصادی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران

امروزه معادلات اقتصادی بر تمام زمینه‌ها سایه افکنده است. مطالعات علمی حاکی از این مطلب است که انسان از دو طریق می‌تواند یادگیری کند:

الف) روش تجربی یا رفتاری، ب) روش شناختی. در روش رفتاری، انسان از گذر تجارب عملی خود، یاد می‌گیرد چه کاری به نفع اوست و چه کاری می‌تواند به ضرر وی باشد. این روش یادگیری برای فرد هزینه‌بر است؛ چراکه برای هر یادگیری باید تجربه عملی داشته باشد و هزینه‌های مادی، معنوی و عمر خود را صرف این تجربه کند. روش دوم، یادگیری شناختی است. در این روش، انسان با نگاه به دیگران و موفقیت‌ها و شکست‌های آن‌ها، یاد می‌گیرد چه کاری درست و چه کاری نادرست است، بدون اینکه خود هزینه یادگیری این موفقیت‌ها و شکست‌ها را پرداخته باشد. در این روش، فرد از طریق ملاحظه وضعیت سایرین، یاد می‌گیرد که چگونه رفتار کند. این روش در مقایسه با روش قبل، هزینه‌های مادی و معنوی ناچیزی دارد و مطلوب‌تر است.

در روند اجرایی سازمان نیز، معادل این دو مدل یادگیری وجود دارد. مدیریت دانش پلیس تلاش می‌کند هزینه‌های یادگیری را تعدیل کند. یکی از بهترین روش‌های تعدیل هزینه‌ها، پابندی به دیدگاه شناختی است. از طریق شناخت تجارب موفق کارکنان و رده‌های اجرایی پیشگیری از جرم، مستندسازی و انتشار آن‌ها می‌توان تجارب کارکنان را به یکدیگر انتقال داد. در این صورت یک نفر یا یک رده هزینه‌های تجربه را پرداخت می‌کند، ولی صدها نفر از این تجربه استفاده می‌کنند و دیگر لازم نیست که هزینه‌های متعددی صرف یادگیری کارکنان متعدد شود. موضوع دیگری که در این راستا می‌توان به آن استناد کرد به این مطلب مرتبط است که هریک از کارکنان و رده‌های پلیس توان، فرصت و امکانات لازم جهت مطالعه هریک از مسائل فراروی پلیس را ندارند. از همین حیث تسهیم گزارش‌پرونده‌های موفق می‌تواند ضعف‌ها و ناتوانی‌های موجود را پوشش دهد.

۴- دلایل خاص پیشگیری وضعی از جرم

ارتکاب جرم و پیشگیری از آن، به بازی شطرنج تشبیه شود. در یک طرف این بازی بزهکار قرار دارد و در طرف دیگر پلیس و دستگاه عدالت جنایی. هر یک از این بازیگران برای غلبه بر طرف دیگر ابزارهایی در اختیار دارند: مهره‌های شطرنج و دانش شطرنج‌بازی. در زمینه بحث جاری، این ابزارها را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: ابزارهای فیزیکی و ابزارهای معنوی^۱. به عنوان مثال بزهکاران متناسب با نوع جرم از سلاح، قفل شکن، قدرت جسمانی یا سایر ابزارها استفاده می‌کنند. ادارات پلیس نیز از ابزارهایی چون اسلحه، گشت خودرویی و بی‌سیم برای مقابله با بزهکاران بهره می‌برند؛ بنابراین هر یک از بازیگران به این ابزارها دسترسی دارند و در صورت عدم دسترسی نیز تلاش می‌کنند آن‌ها را به دست آورند. دسته دوم از ابزارهای مورد استفاده آن‌ها، ابزارهای معنوی است که به مهارت و دانش طرفین برمی‌گردد.

می‌توان مدعی بود که اهمیت ابزارهای معنوی بازیگران جرم، با اهمیت ابزارهای فیزیکی هم‌سنگ است. به گونه‌ای که بدون برخورداری از ابزارهای معنوی نمی‌توان از ابزارهای فیزیکی نیز به بهترین شکل بهره برد. بزهکاران از دو طریق می‌توانند به ابزارهای معنوی ارتکاب جرم معجز شوند: نخست از طریق کسب تجربه در طول عمر جنایی (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی ۱۳۹۰:۱۰۷). بزهکارانی که به سبک زندگی جنایی سوق یافته‌اند، به صورت روزمره مرتکب جرم می‌شوند، برای آن برنامه‌ریزی کرده و به صورت مستمر مهارت‌های خود را تقویت می‌کنند، در روانشناسی این شکل از یادگیری کسب تجربه تحت عنوان شرطی‌سازی کلاسیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد (اتکینسون و هیلگارد ۱۳۸۵:۲۵۱).

دومین روش تجهیز به ابزارهای معنوی جرم، کسب مهارت‌ها و شیوه‌های ارتکاب جرم از دیگران است. در این شیوه، فرد بدون اینکه خود هزینه‌های یادگیری را پرداخته باشد، از سایرین یاد می‌گیرد چگونه مرتکب جرم شود و با هزینه اندک منافع جنایی بالایی به دست آورد. این شکل از یادگیری مهارت‌ها که در مطالب قبل نیز به آن اشاره شد، در علوم جنایی تحت عنوان «هم‌نشینی با حاملان هنجارهای کج‌روانه» (سلیمی و همکاران ۱۳۸۸:۵۰) یا «پیوندهای افتراقی» (صدیق سروستانی ۱۳۸۷:۴۸) یاد شده است^۲. کسب مهارت‌های ارتکاب

۱. منظور از ابزارهای فیزیکی، منابع انسانی و مالی سازمان است و منظور از ابزارهای معنوی، منابع دانشی و تجربی سازمان می‌باشد.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: -عظیم زاده، شادی، پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا، تهران، انتشارات

جرم که می‌توان آن را «دانش بزهکاری» عنوان کرد، تابع محدودیت‌های معتابهی نیست. حتی می‌توان این ادعا را مطرح کرد که با ظهور فناوری‌های جدید، رسانه‌ها و اینترنت، کسب دانش بزهکاری به مراتب آسان شده است. بزهکارانی که هنوز دستگیر نشده‌اند، از گذر تعامل روزمره با سایر بزهکاران، کسب تجارب عملی، دسترسی به اینترنت و رسانه‌های جمعی، دانش بزهکاری خود را تقویت می‌کنند و پس از دستگیری نیز در محیط زندان قرار می‌گیرند و از طریق هم‌نشینی با سایر بزهکاران، مهارت‌های جنایی خود را تقویت می‌نمایند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که منابع و ابزارهای معنوی بزهکاران وسیع و نامحدود است. حال پس از تبیین منابع دانشی بزهکاران، بهتر است به منابع دانشی پلیس برای مقابله با بزهکاران پرداخته شود.

در خصوص ابزارهای معنوی بزهکاران بحث شد. بحث حاضر به ابزارهای معنوی پلیس اختصاص می‌یابد تا از گذر آن مشخص شود چه نوع ابزارهایی در دسترس پلیس است و چگونه می‌توان از آن‌ها برای مقابله با بزهکاران استفاده کرد. برخلاف بزهکاران که دارای ساختار شبکه‌ای و خودجوش هستند، ساختار پلیس سلسله‌مراتبی و رسمی است و کارکنان پلیس در قبال انجام وظایف حقوق دریافت می‌کنند. در ساختارهای شبکه‌ای ابتکار عمل و نوآوری ملموس‌تر است، ولی در ساختارهای سلسله‌مراتبی، نوآوری در اجرای وظایف سازمانی جای خود را به اقدامات روتین و روزمره می‌دهد. در سازمان پلیس ساختارهایی برای آموزش کارکنان پیش‌بینی شده است. دانشگاه علوم انتظامی و معاونت آموزش ناجا، از جمله ساختارهایی هستند که می‌توانند ابزارهای معنوی لازم برای مقابله با بزهکاران را در اختیار کارکنان قرار دهند. در وضعیت موجود نیز این اقدام انجام می‌شود. به گونه‌ای که دوره‌های بدو خدمت و ضمن خدمت برای آموزش کارکنان پیش‌بینی شده است. صرف نظر از مباحث مرتبط با کیفیت و محتوای این دوره‌ها، موضوعی که در این مبحث باید بررسی شود اینکه همه اقداماتی که در راستای آموزش کارکنان پلیس انجام می‌گیرد، جریان بالا به پایین دارد؛ به عبارت دیگر معاونت آموزش ناجا و دانشگاه علوم انتظامی آموزش دهنده‌اند و کارکنان پلیس آموزش گیرنده. مطالبی که در این دوره‌ها آموزش می‌شود، علمی و دانشگاهی است. جای

جنگل، چاپ اول ۱۳۹۰.

۱. البته باید توجه داشت که در جرائم سازمان یافته که به صورت گروهی ارتکاب می‌یابند، وضعیت شبکه‌ای بودن پررنگ‌تر بوده و وصف خودجوش بودن ضعیف است. ولی در سایر جرائم، از قبیل سرقت و کلاهبرداری بعد خودجوش بودن پررنگ‌تر بوده و بعد شبکه‌ای بودن اقدامات بزهکاران کم‌رنگ‌تر است.

مطالب و معلومات دانشی که برگرفته از تجارب عملی کارکنان و رده‌های اجرایی باشد، در وضع موجود خالی است.

در مدیریت دانش پیشگیری، دانش کارکنان پلیس مدیریت می‌شود. به عبارت بهتر مدیریت دانش پیشگیری از جرم، بعد از آموزش علوم جنایی و جرم‌شناسی به کارکنان پلیس و استفاده از این علوم در بستر اجرا، انجام می‌شود. کارکنان پلیس پس از یادگیری علوم جنایی به صورت نظری، از مطالبی که در دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها یاد گرفته‌اند، در جریان فعالیت‌های جاری خود استفاده می‌کنند و در این میان معلومات نظری خود را در بستر اجرا محک زده و تجارب تخصصی کسب می‌کنند. در ادامه تجارب تخصصی کارکنان پلیس، از گذر تسهیم آن‌ها بین کارکنان، مدیریت می‌شود.

بنابراین، با عنایت به مطالب بیان‌شده، می‌توان مدعی بود که برای تعدیل نواقص فوق و ایجاد ارتباطات شبکه‌ای، مدیریت دانش می‌تواند مفید باشد. ارتباطات شبکه‌ای می‌تواند تعامل دانشی کارکنان و رده‌های سازمانی را در یک قالب‌بندی افقی برقرار کند. پس از آشنایی با مبانی و ضرورت مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران، می‌توان به چگونگی مدیریت دانش در این ساختار پرداخت.

مبحث دوم: چگونگی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران

هرچند در ابتدای این مقاله تعریف مختصری از مدیریت دانش ارائه شد، ولی در این مبحث بهتر است تعریفی نسبتاً جامع از آن ارائه شود تا در ادامه بتوان به چگونگی مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم پرداخت. محققان معتقدند «مدیریت دانش یک روند نظام‌مند و خاص سازمانی جهت کسب، سازمان‌دهی و تبادل اطلاعات کارکنان است. به نحوی که سایر کارکنان نیز بتوانند به منظور مؤثر و خلاق‌تر بودن در حوزه کاری خود، از آن استفاده کنند». به عبارت ساده‌تر، در این تعریف، مدیریت دانش ناظر به گردآوری و اشتراک‌گذاری تجارب کارکنان در راستای انجام وظایف سازمانی است. از این طریق می‌توان تجارب مکسبه، نوآوری‌ها، شیوه‌های اجرایی موفق و سایر مؤلفه‌های اثربخش سازمانی را گردآوری کرده و به سایر کارکنان انتقال داد. در تعریف دیگری بیان‌شده «مدیریت دانش روش جامع تولید، تسهیم و به کارگیری دانش به منظور بهبود

1. kankanhalli, a. tan, b. c. y. & wei, k. k (2005). Contributing knowledge to electronic knowledge repositories: an empirical investigation. *Mis quarterly*, 29(1), 113-143

بهره‌وری، سودآوری و رشد سازمانی است^۱ (کشاورزی ۱۳۹۰:۲). هریک از تعاریف فوق نقاط ضعف و قوتی دارد. به گونه‌ای که در تعریف اول از اصطلاح «کسب اطلاعات» بحث شده، ولی در تعریف دوم از «تولید دانش» بحث می‌شود. می‌توان جهات مثبت تعاریف فوق را با یکدیگر تلفیق کرد و از اصطلاح «کسب دانش» استفاده نمود؛ چراکه این اصطلاح جامع و مناسب است. در راستای مدیریت دانش حتماً لازم نیست که دانش موردنیاز سازمانی تولید شود، بلکه می‌توان از منابع برون‌سازمانی نیز استفاده کرد. استفاده از منابع برون‌سازمانی دارای مزایای خاص خود است. به‌عنوان نمونه استفاده از منابع علمی دانشگاه‌ها، علاوه بر جذابیت آن از دیدگاه اقتصادی، موجب می‌شود که دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً دیدگاه‌های انتقادی سازنده که نقش به‌سزایی در ارتقای سازمان دارند، مطرح شوند.

از طریق تلفیق تعاریف مذکور می‌توان مدعی بود که این تعاریف ۲ عنصر اساسی را در خود جای داده‌اند: عنصر اول به کسب دانش مرتبط با وظایف و اهداف سازمانی نظارت دارد. در این مرحله دانش موردنیاز برای تسهیل اجرای وظایف و نیل به اهداف سازمانی گردآوری می‌شود. عنصر دوم به سازمان‌دهی و تسهیم دانش مرتبط با وظایف سازمانی مربوط می‌شود. در این راستا، متناسب با حوزه‌های کاری سازمان و تخصص‌های سازمان، دانش درون و برون‌سازمانی گردآوری، ساماندهی و تسهیم می‌شود تا هر حوزه کاری به دانش متناسب خود دسترسی داشته باشد. در این مرحله بر این نکته تأکید می‌شود که دانش سازمان نباید در حالت سکون و رها باقی بماند و نوعی سیالیت و جنب‌وجوش جریان می‌یابد؛ چراکه سازمان و وظایف سازمانی هر لحظه در حال تحول و تغییر است و دانش سازمان نیز باید متناسب با تحولات پویا باشد. همان‌گونه که از این تعاریف ملاحظه می‌شود، مدیریت دانش دو مرحله دارد. مرحله اول ناظر به گردآوری دانش موردنیاز سازمانی است و مرحله دوم به سازمان‌دهی و تسهیم دانش مربوط می‌شود. مطالب این مبحث، بر اساس مراحل دوگانه مذکور ساماندهی می‌شود. از همین رو، ابتدا به گردآوری دانش پیشگیری از جرم پرداخته می‌شود و در ادامه چگونگی سازمان‌دهی و تسهیم دانش پیشگیری از جرم مطالعه خواهد شد.

۱- گردآوری دانش پیشگیری از جرم در پلیس ایران

پلیس برای گردآوری دانش موردنیاز خود در راستای پیشگیری از جرم دو راه در پیش رو

۱. برای آگاهی از تعاریف دیگر بنگرید به: حیات و همکاران ۱۳۹۱: ۴۱۷؛ قرائی و رستمی ۱۳۹۱: ۱۳.

دارد. در روش نخست، از منابع و توان علمی برون‌سازمانی استفاده می‌کند. در روش دوم، دانش موردنیاز خود را تولید می‌کند. در ادامه به هریک از این دو روش پرداخته می‌شود.

۱-۱- استفاده از منابع دانشی برون‌سازمانی

یکی از روش‌های تأمین دانش موردنیاز پیشگیری از جرم در سازمان پلیس، استفاده از منابع برون‌سازمانی است. این روش از لحاظ اقتصادی جذاب‌تر است، ولی از لحاظ میزان کارایی با اقبال کمتری مواجه می‌شود؛ چراکه از سویی، هزینه‌های اقتصادی گردآوری دانش، به مراتب کمتر از تولید آن است. از سوی دیگر، میزان کارایی و کاربردی بودن دانش تولیدی برون‌سازمانی به مراتب کمتر از دانش تولیدی درون‌سازمانی است. تولید دانش در سازمان، مرحله‌ای دارد که با اجرای آن‌ها، میزان کاربردی بودن دانش تولیدی افزایش می‌یابد. مسئله‌شناسی، نیازسنجی، تعیین اولویت‌های دانشی، تولید دانش و انتشار، مرحله‌ای است که برای تولید دانش باید سپری شوند. ولی در دانش برون‌سازمانی، مراحل مسئله‌شناسی، نیازسنجی، اولویت‌بندی و تولید دانش، از اختیار سازمان پلیس خارج است و صرفاً مرحله پایانی فرایند مذکور برای پلیس قابل حصول است.

سازمان پلیس در راستای استفاده از تولیدات دانشی برون‌سازمانی، محدود به دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و نهادهای برون‌سازمانی موجود در کشور نیست. بلکه می‌تواند از منابع دانشی فراملی نیز استفاده کند. بهترین منبع دانشی پیشگیری وضعی از جرم، وب‌سایت مرکز برقراری نظم به‌روش مسئله‌محور^۱ است که گزارش‌های پروژه‌های حل مسئله را نمایه می‌کند. در این وب‌سایت، گزارش پروژه‌های برتر سال در پیشگیری وضعی از جرم نمایه شده و از تجارب این گزارش‌ها می‌توان بهره‌گیری کرد.

۱-۲- تولید دانش پیشگیری از جرم در سازمان پلیس

تألیف و ترجمه کتب و مقالات مرتبط با پیشگیری از جرم و اجرای طرح‌های تحقیقاتی در سازمان پلیس یکی از روش‌های تأمین دانش سازمانی موردنیاز است. تاکنون کتاب‌ها و مقالات مختلفی در این رابطه چاپ و منتشر شده است. به منظور پویایی دانش پیشگیری از جرم و دسترسی

آسان به منابع دانشی، ضرورت دارد علاوه بر انتشار نسخه فیزیکی در سازمان پلیس، نسخه الکترونیکی آن‌ها نیز در شبکه مدیریت دانش نمایه شوند^۱. به منظور افزایش منابع دانشی، پلیس پیشگیری ناجا می‌تواند تولیدات دانشی دانشگاه علوم انتظامی و معاونت آموزش ناجا را در سایت مدیریت دانش نمایه کند و از پتانسیل‌های موجود در دفاتر تحقیقاتی استان‌ها و پلیس‌های تخصصی نیز استفاده نماید.

موضوعی که در تولید منابع دانشی بهتر است مورد توجه قرار گیرد اینکه کلیه منابع چاپ و منتشره در ارتباط با پیشگیری از جرم، علم پیشگیری از جرم را منتشر می‌کند. هنوز منابع فراوانی از دانش و تجارب عملی کارکنان و رده‌های اجرایی پیشگیری از جرم مستندسازی، چاپ و منتشر نشده است. از همین رو باید مکانیسمی طراحی شود که دانش تجربی کارکنان و رده‌های اجرایی، مستندسازی شده و در قالب شبکه ارتباطی افقی به یکدیگر منتقل شود. در وضع موجود، تعامل علمی پلیس پیشگیری ناجا و رده‌های اجرایی استانی و شهرستانی، در قالب یک رابطه سلسله مراتبی و عمودی تعریف شده است. عموماً منابع علمی در مرکز تألیف یا ترجمه می‌شوند و در اختیار واحدهای استانی و شهرستانی قرار می‌گیرند. مدیریت دانش، به صورت خاص بر دانش کارکنان و رده‌های اجرایی متمرکز می‌شود و بر آن است که این دانش را مدیریت کند. برای مدیریت دانش کارکنان و رده‌های اجرایی پیشگیری از جرم، ضرورت دارد تجارب عملی و دانش آن‌ها مستندسازی شده و در چرخه مدیریت دانش قرار گیرد.

برای مستندسازی و تسهیم دانش پیشگیری وضعی از جرم، ضروری است یک فرایند اجرایی مشخص به واحدهای اجرایی معرفی شود تا یگان‌های اجرایی بتوانند اقدامات روتین خود در راستای پیشگیری از جرم را به صورت فرایند محور و نظام‌مند اجرا کنند و در آن دسته از پروژه‌های پیشگیرانه‌ای که موفق بوده و بار دانشی دارند، گزارش کلیه اقدامات انجام شده در هر یک از مراحل گزارش شود. این امر موجب می‌شود که رده‌های اجرایی پلیس تجارب خود را مستندسازی کرده و آن‌ها را در اختیار سایر رده‌ها قرار دهند. برای همین منظور در ادامه به فرایند اجرایی مورد نظر در مدیریت دانش پیشگیری از جرم اشاره می‌شود. روشی که در پلیس کشورهای پیشگام در جرم‌شناسی رایج شده و مبنای مدیریت دانش پیشگیری از جرم شده،

۱. شبکه مدیریت دانش، همان شبکه سایبری درون‌سازمانی پلیس است. مدیریت این شبکه بر عهده مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا است. در این شبکه کلیه منابع دانشی پیشگیری از جرم نمایه می‌شود.

«رویکرد مسئله محور به برقراری نظم» است.^۱ در این زمینه کتب و مقالات متعددی چاپ و منتشر شده است.^۲ از این رو، نیازی به تبیین جزئیات و نکات فنی این رویکرد احساس نمی‌شود. ولی به منظور آشنایی با کلیات، ضرورت دارد به صورت خلاصه از این رویکرد بحث شود.

۳-۱- فرایند اجرایی پیشگیری وضعی از جرم در مدیریت دانش

فرایندهای مختلفی برای مدیریت دانش پیشگیری از جرم ارائه شده است. روش پنج آی (5Is)^۳ که برای اولین بار توسط پائول اکبلوم (۱۹۸۸: ۲۳) بر مبنای مراحل پنج گانه فرایند پیشگیری از جرم ارائه شد، از اواسط دهه ۱۹۷۰ به عنوان یک مدل اجرایی در وزارت کشور پادشاهی متحده و آمریکای شمالی اجرا شد و همچنین الهام بخش فرایند سارا (SARS)^۴ در رویکرد مسئله محور به برقراری نظم بود (اکبلوم ۲۰۰۸: ۲). به لحاظ محتوایی، فرایند پنج آی با فرایند سارا در رویکرد مسئله محور تفاوت چندانی ندارند و تفاوت آن‌ها شکلی است. در این مقاله به دلیل اینکه رویکرد مسئله محور به برقراری نظم و فرایند سارا برای مخاطبان شناخته شده^۵، از این فرایند به عنوان فرایند مبنا در مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم استفاده می‌شود. رویکرد مسئله محور به برقراری نظم، یک روش اجرایی نظام مند است که اقدامات اجرایی پلیس در راستای پیشگیری از جرم را در قالب یک فرایند منسجم قرار می‌دهد تا اقدامات پلیسی از حالت بی هدف و غیر منسجم خارج شده و به صورت روشمند و فرایند محور اجرا شوند. در این روش از مثلث تحلیل مسئله برای تحلیل جرائم و بی نظمی‌های رایج در جوامع محلی^۶ استفاده می‌شود. هر یک از ابعاد این مثلث، یعنی بزهکار، آماج و مکان به یکی از

۱. این روش در کشورهای اروپای غربی، آمریکای شمالی، کانادا و استرالیا مرسوم است.

۲. در این زمینه می‌توان به مقاله «رویکرد مسئله محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران» (افراسیابی ۱۳۸۹)، کتاب «تحلیل مسئله در ۶۰ گام کوتاه» (مترجم کلانتری و شکوهی ۱۳۸۹) و کتاب «جرم‌شناسی محیطی و تحلیل جرم» (ورتلی و مازرول ۱۳۹۲) اشاره کرد.

3. Intelligence, Intervention, Impelimentation, Involve ment and impact

4. Scanning, Analsis, Responses and Assessment

۵. علی‌رغم تألیف یا ترجمه چند اثر مرتبط با رویکرد مسئله محور، این روش هنوز در پلیس ایران اجرایی نشده است. «تحقیقات نشان داده تغییرات ساختاری و فرهنگی مناسب رویکرد مسئله محور و رویه‌های پیشگیرانه در سازمان‌های پلیس روند آهسته‌ای طی می‌کند. در این سازمان‌ها به جای حذف یا کنترل عوامل جرم، بر دستگیری بزهکاران تأکید می‌شود» (اکبلوم ۲۰۰۲: ۱۳۳).

6. community

عوامل نزدیک مؤثر بر وقوع جرم یا بی‌نظمی اختصاص دارد^۱. پس از شناسایی مسئله (مرحله اول)، تحلیل آن بر مبنای مثلث تحلیل آغاز می‌شود (مرحله دوم)، در این مرحله، عوامل نزدیک موجب جرم یا بی‌نظمی شناسایی می‌شوند. در ادامه، متناسب با عوامل شناسایی شده راهکارهای اجرایی برای حذف یا کنترل این عوامل تعیین و بهترین راهکارها از میان آنها انتخاب و اجرا می‌شوند (مرحله سوم)؛ در پایان اثربخشی راهکارهای اجرایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا مشخص شود این راهکارها چه تأثیری بر کاهش مسئله مورد نظر یا حل و فصل آن داشته است. در رویکرد مسئله محور، کلیه اقدامات انجام شده در راستای شناسایی، تحلیل، تعیین و اجرای پاسخ‌ها و ارزیابی فرایند، در قالب یک گزارش کامل مستندسازی می‌شود. مستندسازی و گزارش اقدامات انجام شده موجبات مستندسازی تجارب کارکنان و ادارات پلیس در راستای پیشگیری از جرم را در پی دارد. در این صورت، تجارب و دانش کارکنان پلیس در پیشگیری از جرم، از حالت نهان و مخفی خارج شده و مکتوب و مستند می‌شود؛ بنابراین، مستندسازی تجارب و دانش پلیس، اساس و مبنای اقداماتی است که در راستای مدیریت دانش پیشگیری از جرم انجام می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که در مدیریت دانش پیشگیری از جرم و تسهیم دانش پیشگیری چگونه می‌توان پروژه‌های موفق را شناسایی کرد و چه معیارهایی برای شناخت پروژه‌های موفق باید به کارگیری شوند. به نظر می‌رسد بتوان اثربخشی پروژه پیشگیری وضعی را به‌عنوان نخستین معیار پروژه موفق شناسایی کرد. اثربخشی پروژه عناصری دارد که کاهش نرخ جرم یا بی‌نظمی موضوع طرح مورد نظر، افزایش رضایت جامعه محلی در نتیجه اجرای پروژه و افزایش احساس ایمنی از سوی جامعه محلی، از جمله آن‌ها است. پائین بودن سطح مداخله در خلوت و آزادی‌های خصوصی شهروندان را می‌توان به‌عنوان دومین معیار پروژه موفق شناسایی کرد. استفاده از سرمایه‌های جامعه محلی و کاهش اتکا به ابزارهای تعریف شده نظام عدالت جنایی، سومین معیار پروژه موفق تلقی می‌شود. می‌توان زودبازده بودن پروژه پیشگیرانه را به‌عنوان چهارمین معیار پروژه موفق شناسایی کرد. موضوعی که در این بخش بهتر است به آن اشاره شود اینکه گزارش

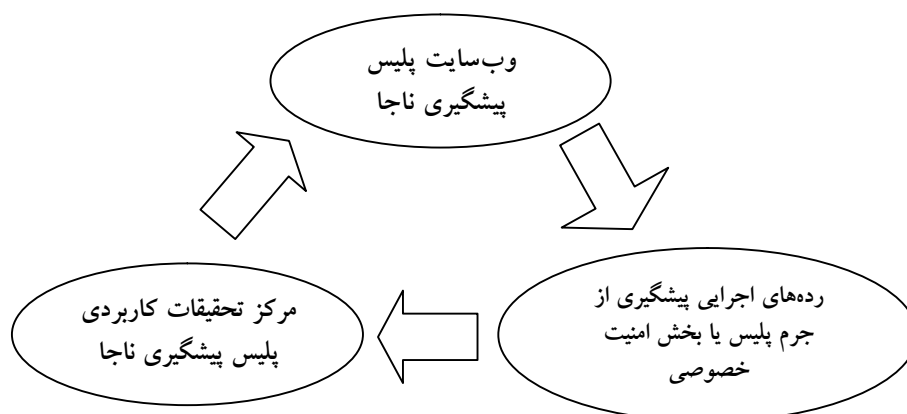
۱. البته باید خاطر نشان کرد که مثلث تحلیل متشکل از یک مثلث داخلی و یک مثلث خارجی است. مثلث داخلی به بزهکار، آماج و وضعیت اختصاص دارد و مثلث خارجی به کنترل‌گر، نگاهبان و مدیر مکان اختصاص یافته است. در صورت اجتماع اجزای مثلث داخلی وقوع جرم یا بی‌نظمی محتمل‌تر است و جرم یا بی‌نظمی در صورتی واقع می‌شود که عناصر مثلث خارجی کارکرد خود را انجام ندهند (برای آگاهی بیشتر بنگرید به افراسیابی ۱۳۸۹).

پروژه‌های پیشگیری وضعی از جانب سازمان‌های غیر پلیسی نیز در گستره مدیریت دانش قرار دارد؛ چراکه در عصر حاضر صنعت امنیت خصوصی به میزان چشمگیر افزایش یافته و ورود این بخش به چرخه مدیریت دانش می‌تواند اثربخشی اقدامات آن را ارتقا بخشد.

۲- تسهیم دانش پیشگیری وضعی از جرم

آخرین مرحله از چرخه مدیریت دانش، تسهیم دانش تولید یا گردآوری شده است. در این مرحله، دانش پیشگیری از جرم بین کارکنان و رده‌های اجرایی تسهیم شده و به اشتراک گذاشته می‌شود. بهترین ابزار تسهیم دانش در پلیس ایران، استفاده از فضای سایبری درون سازمانی یا اینترنت است. در این بستر، آخرین یافته‌های علمی و دانشی پیشگیری از جرم، کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مورد حمایت نمایه می‌شوند. رده‌های اجرایی در قالب فرایند برقراری نظم به روش مسئله محور، گزارش اقدامات صورت گرفته در این راستا را به مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا ارسال می‌کنند.

این مرکز پس از بررسی شکلی و محتوایی گزارش‌های واصله در کمیته‌ای که برای این منظور پیش‌بینی خواهد شد، گزارش پروژه‌های موفق و دارای بار دانشی را در وبسایت اختصاص داده شده برای مدیریت دانش نمایه می‌کند. در این صورت، کلیه گزارش‌های پروژه‌های موفق در شبکه مذکور قرار گرفته و تجارب رده‌های اجرایی پیشگیری از جرم در اختیار کلیه رده‌های اجرایی قرار می‌گیرد. نمودار فرضی چرخه دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران، در ذیل نمایش می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، یگان‌های اجرایی گزارش پروژه‌های موفق خود را به دفتر تحقیقات کاربردی ارسال می‌کند و از آن طریق در وبسایت قرار می‌گیرد تا سایر رده‌های اجرایی نیز به این تجارب دسترسی داشته باشند. به هر میزان این چرخه ادامه می‌یابد، به همان میزان بار دانش پیشگیری از جرم در سازمان پلیس افزایش می‌یابد.



نمودار شماره ۱- چرخه مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم در پلیس ایران^۱

موضوعی که در بحث تسهیم دانش پیشگیری وضعی از جرم باید مدنظر قرار گیرد به این مطلب مربوط می‌شود که با توجه به ارتباط تنگاتنگ راهکارهای پیشگیرانه، باید اطلاعات دقیقی از شرایط وضعی، ویژگی‌های آماج جرم و ویژگی‌های بزهکاران موضوع پروژه، در گزارش ارسالی برای نمایه‌سازی بیان شود. بهتر است دلایل توجیهی استفاده از راهکارهای مورد استفاده در پروژه‌ها بیان شوند تا رده‌های اجرایی که از این دانش در راستای برقراری نظم در موارد مشابه استفاده می‌کنند با دلایل توجیهی آن‌ها آشنا باشند. با توجه به اینکه نحوه مدیریت و اجرای پروژه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، ضروری است اطلاعات مرتبط با این موضوع نیز در قالب گزارش‌های به اشتراک گزارده شده بیان شوند؛ چراکه موفقیت یا عدم موفقیت یک پروژه ریشه در دو عامل می‌تواند داشته باشد: ۱- طراحی خوب و ۲- اجرای خوب. در صورتی که هر یک از این عوامل به‌صورت مطلوب انجام نشوند، شکست پروژه دور از انتظار نیست. از همین رو اگر نحوه مدیریت اجرای پروژه در قالب گزارش بیان شود، احتمال توفیق اجرای پروژه یا تجارب دانشی آن در موارد مشابه ارتقا خواهد یافت.

برای ساماندهی گزارش پروژه‌های موفق در سایت مدیریت دانش می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد. برای نمونه می‌توان بر مبنای تکنیک‌های ۲۴ گانه پیشگیری وضعی از جرم، نظامی بنا کرد که گزارش‌های مرتبط با هر یک از تکنیک‌ها ذیل تکنیک‌های مذکور

۱. برای آگاهی بیشتر از سایر مدل‌های "چرخه مدیریت دانش" بنگرید به: طاهری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۰. همچنین برای آگاهی از نحوه به‌کارگیری سخت‌افزارها در مدیریت دانش بنگرید به عادل پور و هاشمی ۱۳۹۱: ۱۱.

قرار گیرد^۱. در روش دوم می توان گزارش های مرتبط با انواع جرائم و بی نظمی ها را در فایل های الکترونیکی تعبیه شده نمایه کرد. در روش سوم، متناسب با اضلاع سه گانه مثلث داخلی تحلیل مسئله، گزارش های مرتبط با وضعیت ها، آماج ها و بزه کاران خاص یا متناسب با اضلاع خارجی مثلث تحلیل مسئله، گزارش های مرتبط با مدیر مکان های خاص، نگهبان آماج های خاص و کنترل کنندگان خاص، در فایل های الکترونیکی تعبیه شده نمایه می شوند. نمودار شماره ۲ برای شناخت اضلاع داخلی و خارجی مثلث تحلیل نمایش شده است. در روش چهارم که در مقاله طبقه بندی مسائل جنائی فراروی نهاد پلیس برای ارتقای دانش پیشگیری وضعی از جرم (افراسیابی ۱۳۸۸) معرفی شده، گزارش های پروژه های موفق حل مسئله در قالب نظام دوبعدی (بعد مکانی و بعد رفتاری) در ردیف و ستون مربوطه طبقه بندی می شوند تا رده های اجرایی به راحتی بتوانند در رفتارها یا مکان های مشابه از تجارب دانشی نمایه شده در این نظام استفاده کنند. برای ارتقای کیفیت گزارش پروژه های موفق، ضروری است نحوه شناخت مسئله، تحلیل آن، طراحی راهکارهای مناسب برای حل مسئله و ارزیابی طرح به صورت دقیق بیان شوند؛ چراکه هم نحوه طراحی و هم نحوه مدیریت پروژه های حل مسئله به یک میزان مهم اند. در برخی موارد نهادهای عمومی و خصوصی به مشارکت در اجرای راهکارهای پیشگیرانه اقبال ندارند. از این رو، چگونگی درگیر سازی این نهادها و افزایش مشارکت های پیشگیرانه از اهمیت به سزایی برخوردار است و چنانچه تجارب پروژه های موفق به صورت دقیق و کیفی مستندسازی شوند، رده های متناظر با دقت بیشتری می توانند از تجارب و دانش کسب شده در پروژه های موفق در موارد مشابه استفاده کنند. همان گونه که تشریح تجارب مطلوب برای ارتقای دانش اهمیت دارد، آن دسته راهکارهای حل مسئله که به شکست منتهی شده اند نیز باید مستندسازی شده و در گزارش طرح بیان شوند؛ چراکه بیان موارد شکست در این گزارش ها از شکست های دوباره در حل مسائل مشابه پیشگیری می کند. بیان دلایل شکست برخی راهکارها، از منظر نقص در طراحی یا نقص در نحوه اجرا، در ارتقای کیفیت گزارش ها مؤثر خواهد بود.

۱. برای آگاهی از تکنیک های ۲۵ گانه بنگرید به افراسیابی ۱۳۸۹: ۱۹۵.



نمودار ۲- مثلث تحلیل مسئله (فلسن ۱۳۹۲: ۱۳۱)

نتیجه گیری

در پلیس ایران مطالعات مناسبی در زمینه پیشگیری از جرم انجام شده است. چاپ و انتشار ده‌ها عنوان کتاب، نشریه و فصلنامه با موضوع پیشگیری از جرم شاهدهی بر این ادعا است. با این وجود، مدیران اجرایی هنوز نتوانسته‌اند اقدامات جاری خود در برقراری نظم را به صورت علمی و در قالب فرایندهای مشخص و هدفمند انجام دهند. دلیل این نقص را می‌توان به مسائل ساختاری و فردی نسبت داد؛ چراکه در ساختار پلیس شهرستان‌ها، هنوز شغل سازمانی تحلیل‌گر جرم تعریف نشده است. در صورت تعریف این سمت در چارت سازمانی، تحلیل‌گر وظیفه می‌یابد جرائم شایع در حوزه استحضاطی را شناسایی کرده و موضوع پروژه‌های برقراری نظم به‌روش مسئله محور قرار دهد. با اجرای این پروژه‌ها، تجارب خوبی در خصوص نحوه حل مسائل مجرمانه به دست می‌آید. تجارب به‌دست آمده در پروژه‌های موفق را می‌توان مستندسازی کرده و از طریق تسهیم و اشتراک‌گذاری، آن‌ها را در اختیار سایر رده‌های اجرایی قرار داد تا بتوانند از این تجارب در موارد مشابه استفاده کنند. این همان موضوعی است که مدیریت دانش پیشگیری وضعی از جرم نامیده می‌شود.

با توجه به اینکه عناوین مجرمانه متعددی وجود دارد که کسب تجربه برای پیشگیری از آن‌ها برای هر یک از کلاتری‌ها و واحدهای اجرایی میسر نیست، مدیریت دانش می‌تواند برای انتقال تجارب رده‌ها به همدیگر مناسب باشد. برای ترغیب رده‌های اجرایی به سوی نوآوری و ابتکار عمل در حل مسائل مجرمانه، پلیس پیشگیری ناچا به صورت سالیانه آن دسته از



پروژه‌هایی که بهترین اثربخشی را داشته و تجارب ارزنده‌ای داشته‌اند را مورد تشویق مادی و معنوی قرار می‌دهد. این همان اقدامی است که از سوی کشورهای پیشگام در جرم‌شناسی و سیاست جنایی انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، می‌توان به جایزه هرمن گلدشتاین یا نیک تایللی اشاره کرد که به پروژه‌های برتر اختصاص می‌یابد و از هر نقطه از جهان می‌توان گزارش پروژه‌های برقراری نظم به‌روشن مسئله محور را به کنگره سالیانه جایزه ارسال نمود.

منابع

الف) فارسی

- افراسیابی، علی (۱۳۸۸)، *طبقه‌بندی مسائل جنائی فراروی نهاد پلیس برای ارتقای دانش پیشگیری وضعی از جرم*، دانشگاه علوم انتظامی، فصلنامهٔ انتظام اجتماعی، شماره ۴.
- افراسیابی، علی (۱۳۹۰)، «رویکرد مسئله محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران»، فصلنامه دانش انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- افراسیابی، علی (۱۳۸۹)، «پارادایم‌های پیشگیری وضعی از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، پلیس پیشگیری ناجا، شماره ۱۷.
- اسلامی، علی و همکاران (۱۳۹۱)، *پیاده‌سازی سامانه مدیریت دانش در حوزه مطالعات ویژه استان‌ها*، مجموعه مقالات مدیریت دانش و پلیس دانش‌بنیان، جلد سوم.
- اتکینسون و هیلگارد (۱۳۸۵)، *زمینه روانشناسی*، ترجمه حسن رفیعی و محسن ارجمند، انتشارات ارجمند، چاپ چهاردهم.
- سلیمی، علی و محمود ابو ترابی و محمد داوری (۱۳۸۸)، *هم‌نشینی و کج‌روی*، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ اول.
- حیات، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۱)، *مدیریت دانش؛ تعاریف، مفاهیم، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر آن‌ها*، مجموعه مقالات مدیریت دانش و پلیس دانش‌بنیان، جلد اول.
- فلسن، مارکوس (۱۳۹۲)، *رویکرد فعالیت روزمره*، ویرایش شده توسط ریچارد ورتلی و لراین مازرول، ترجمه علی افراسیابی، انتشارات علامت، چاپ اول، تهران.
- قرائی، احمد و رستم رستمی (۱۳۹۱)، *مدیریت دانش و مدل SWOT ساختاری برای نیل به اهداف در سازمان پلیس*، مجموعه مقالات مدیریت دانش و پلیس دانش‌بنیان، جلد چهارم.
- کشاورزی، علی حسین (۱۳۹۰)، *مدیریت دانش برای بهره‌وری*، نشر مرکز آینده‌پژوهی و مدیریت دانش انتظامی سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.
- کلارک، وی رونالد (۱۳۸۸)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، چاپ اول، تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۷)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم.

- عادل پور، ناصر و سیده زکیه هاشمی (۱۳۹۱)، به کارگیری سخت‌افزارها در مدیریت دانش، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت دانش، جلد سوم.
- طاهری، الهه و همکاران (۱۳۹۱)، ارائه شیوه عملیاتی در راستای مدیریت دانش و پلیس دانش‌بنیان، مجموعه مقالات همایش علمی مدیریت دانش و پلیس دانش‌بنیان، جلد دوم.
- وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۸۶)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- عظیم زاده، شادی (۱۳۹۰)، پایداری در بزهکاری در حقوق ایران و آمریکا، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- میلتون. ان. آر (۱۳۹۱)، راهنمای گام‌به‌گام کسب دانش در عمل، ترجمه احمدوند، علی محمد و غلام چابلقیان، انتشارات موسسه آموزش عالی ایوان کی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱-۱۳۹۲)، جهانی شدن جرم، تقریرات دوره کارشناسی ارشد دانشگاه مفید قم نیمسال اول سال تحصیلی، به کوشش شهرام ابراهیمی.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
- ورتلی، ریچارد و گراین مازرول (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی محیطی و تحلیل جرم، مترجم علی افراسیابی، انتشارات علامت، چاپ اول، تهران.

(ب) منابع انگلیسی

- Braga, A. Anthony. & Weisburd, L. David (2007), *Police innovation and Crime Prevention: Lessons Learned from Police Research over the Past 20 Years*, US Department of Justice.
- Ekblom, P (1988), *getting the Best out of Crime Analysis*, Home Office Crime Prevention Unit, Paper No. 10, London, UK: Home Office.
- Ekblom, P (2008), *the 5Is framework: a Practical tool for transfer and sharing of Crime Prevention and Community safety Knowledge*, Design against Crime, Research Center.
- Ekblom, P (2002), *From the Source to the Mainstream is uphill: the Challenge of Transferring Knowledge of Crime Prevention through Replication, Innovation and Anticipation*, crime prevention studies volume 13, pp131-203.
- kankanhalli, a. tan, b. c. y. & wei, k. k (2005). Contributing knowledge to electronic knowledge repositories: an empirical investigation. *Mis quarterly*, 29(1), 113-143.
- Kelling, G. and M. Moore (1988), *From Political to Reform to Community:*

The Evolving Strategy of Police, In Jack Green and Stephan Masterofsky (eds), *Community Policing: Rhetoric or Reality?* New York: Preager.

- Scott. M (2006), *implementing crime prevention: lessons learned from problem-oriented policing projects*, crime prevention studies volume 20.

- Sparrow, M. M. Moore and D. Kennedy (1990), *Beyond 911: A New Era for Policing*, New York: Basic Books.